

تحلیل انتقادی بحران فساد و عدم شفافیت اقتصادی در ایران با

تمرکز بر بروکراسی اداری، رسانه ایی و شهروندی

مرتضی افصحی دکتری مدیریت رفتاری

محمد جلال کمالی استاد یار دانشگاه آزاد واحد کرمان

۱.۱ چکیده

فساد در حکم سرطان ویرانگر برای نظم سیاسی و از جدی ترین چالش های مشروعیت حکومت هاست. پژوهش با روش کیفی و تحلیلی-تبیینی علت یابانه از منظر جامعه شناختی سیاسی و با محوریت مدل «حکمرانی خوب در مقابل بد» در دو سطح (ساختار حکومتی و کنشگران مدنی-رسانه ای) انجام شده است. دو پرسش محوری مطرح است دو پرسش محوری مطرح است: عوامل استمرار فساد چیست و پیامدهای سیاسی آن کدام است؟ متغیرهای مستقل (فرضیه ی پژوهش) عبارت اند از: بروکراسی سیاست زده، کم کارآمد و نامستقل؛ کیفیت پایین نهادی و مقررات؛ سازوکارهای نظارتی نامستقل و سیاست زده؛ محدودیت های رسانه ای و عدم آزادی بیان و اطلاعات همراه با رانت های اطلاعاتی؛ عدم استقلال جامعه ی مدنی؛ و استمرار تصدی گری دولت در اقتصاد. یافته ها همه ی اجزای فرضیه را تأیید می کند: فساد به طور نسبی نهادینه شده و به بحران مقبولیت عملکردی انجامیده است؛ فساد از نیمه ی دوم دهه ی ۱۳۹۰ به عامل اعتراضات و مطالبه ی شفافیت و عدالت تبدیل شده است.

۱.۲ کلیدواژه ها

ایران؛ فساد اقتصادی؛ سازوکارهای نظارتی، رسانه ای و شهروندی

۱.۳ پرسش ها و فرضیه های پژوهش

۱. پرسش نخست: چه عواملی موجب استمرار فساد اقتصادی از دهه ی ۱۳۷۰ تاکنون شده است؟
۲. پرسش دوم: پیامدهای سیاسی نهادینه شدن فساد اقتصادی به ویژه از نیمه ی دوم دهه ی ۱۳۹۰ چیست؟
۳. فرضیه (متغیرهای مستقل): بروکراسی سیاست زده ی کم کارآمد و نامستقل، کیفیت پایین نهادی و مقررات، سازوکارهای نظارتی نامستقل و سیاست زده، محدودیت های رسانه ای و عدم آزادی بیان و اطلاعات با رانت های اطلاعاتی، عدم استقلال جامعه ی مدنی، و استمرار تصدی گری دولت در اقتصاد.
۴. متغیر وابسته: بروز و نهادینه شدگی فساد و پیامدهای سیاسی آن.

۱.۴ ساختار دوگانه‌ی تحلیل

مقاله فساد را در دو سطح تحلیل می‌کند: سطح نخست، ساختار حکومتی و نهادهای رسمی (دستگاه سیاست‌گذاری، بوروکراسی اداری، نهادهای نظارتی رسمی) و سطح دوم، کنشگران مدنی-رسانه‌ای (رسانه‌ها، جامعه‌ی مدنی، فعالان صنفی و مطالبه‌گران شفافیت). این تفکیک دو سطحی، مبنای تقسیم بخش‌های تحلیلی این گزارش نیز هست.

۲ مقدمه: شفافیت به مثابه آزمون سلامت حکمرانی

مقاله شفافیت را مهم‌ترین آزمون سلامت نظام سیاسی و مؤلفه‌ی محوری حکمرانی خوب می‌داند و با طرح دوگانگی موجود در برد را «روغن زاد آغاز می‌کند: برداشتی که فساد را «روغن زدن چرخ‌های اقتصاد» می‌داند و برداشتی که آن را «سرطان ویرانگر» می‌نامد (UNODC, 2021: 1) نویسنده موضع پژوهش را صریحاً در سوی دوم قرار می‌دهد. پس از جنگ تحمیلی به توسعه وی ایران دو رویکرد متناقض نسبت به توسعه و فساد شکل گرفت: رویکردی توسعه‌محور و رویکردی که به دلیل شکاف طبقاتی با توسعه مخالفت می‌کرد. برآیند این تقابل، چنان‌که مقاله تحلیل می‌کند، به دو پیامد منفی انجامیده است: تبدیل مبارزه با فساد به موضوع تقابل جناحی، و پیدایش تردید در سلامت حکمرانی و دستگاه‌های اداری.

۲.۱ رویکرد نظری مقاله در بیان مسئله

- رویکرد سیستمی: فساد صرفاً نتیجه‌ی خطای افراد نیست، بلکه محصول ساختار حکومتی، ناکارکردی‌های نظارتی و رفتار کنشگران مدنی-سیاسی است.
- واحد تحلیل: نظام سیاسی ایران با تأکید بر پیوند میان ساختار حکمرانی و رفتار جامعه‌ی مدنی و رسانه‌ها.
- مطالعه‌ی موردی مکمل: برای مقایسه‌ی نظری، تجربه‌ی برخی کشورهای در حال توسعه در کنار داده‌های شاخص‌های جهانی حکمرانی و فساد ایران به کار گرفته شده است.

۲.۲ ضرورت و نوآوری پژوهش

اهمیت پژوهش از سه جهت است: نخست، اتخاذ مدل دوسطحی حکمرانی خوب/بد که هم ساختار رسمی و هم جامعه‌ی مدنی و رسانه‌ها را در تحلیل فساد وارد می‌کند؛ دوم، پیوند دادن عوامل ساختاری فساد با پیامدهای سیاسی آن یعنی موج اعتراضات دهه‌ی ۱۳۹۰ و مطالبه‌ی شفافیت؛ و سوم، ارائه‌ی تصویر کمی از وضعیت ایران در شاخص‌های جهانی ادراک فساد و حکمرانی در کنار تحلیل کیفی سازوکارهای نظارتی رسمی (سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، کمیسیون اصل نود قانون اساسی و حراست‌ها).

۳ پیشینه پژوهش و شکاف تحقیق

مقاله پیشینه پژوهشی را در هفت مطالعه عمده سازمان می دهد که هر یک بخشی از معماری فساد اقتصادی ایران را پوشش داده اند:

۱. محمودی (۲۰۱۸) پایان نامه ی ارشد به زبان انگلیسی: تحریم ها سبب ساز فساد در قالب های قاچاق، دور زدن تحریم، رقابت های فساد و اختلاس بوده اند؛ راه حل پیشنهادی، تنش زدایی در سیاست خارجی است.
۲. عزتی و همکاران (۱۳۹۵) بازه ی ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۰ روش خود توضیحی: افزایش و نوسانات قیمت نفت به میزان ۲۹ درصد بر فساد مؤثر بوده است.
۳. همایونی فر و توتونچی (۱۳۹۹) بازه ی ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۸ الگوی Panel Var) افزایش نابرابری توزیع درآمد بر تشدید فساد در کشورهای نفتی با درآمد سرانه ی پایین مؤثر بوده است.
۴. عزتی (۲۰۱۷) فساد تأثیر منفی بر رشد، تولید و درآمدها داشته و به افزایش نابرابری و کاهش تأمین اجتماعی انجامیده است.
۵. وفایی یگانه (۱۳۸۹) روش دلفی: عدم افشاگری مطبوعات، کیفیت قوانین، ضریب جینی و اقتصاد زیرزمینی بر فساد اداری تا دهه ی ۱۳۸۰ مؤثر بوده اند.
۶. دادگر و نظری (۲۰۱۸) تحلیل ثانویه، بازه ی ۱۳۵۹ تا (۱۳۹۶ ساختار عمومی ناپاسخگو سبب ساز فساد بوده است؛ راه حل، اصلاح مدیریت عمومی است.
۷. *** قدیمی حل، اصلاح مدیریت عمومی است.
۸. قدیمیه ی ۱۳۵۷ تا (۱۳۹۶ نقض استقلال بانک مرکزی به بی ثباتی پولی، تورم، نابرابری و تمایلات فساد انجامیده است.

۳.۱ شکاف پژوهشی

طبق جمع بندی مقاله، هیچ پژوهش پیشینی همه ی این عناصر را توأمان نداشته است: ترکیب متغیرهای چندگانه ی توضیح دهنده ی فساد، به کارگیری مدل حکمرانی خوب/بد، ترکیب دو سطح حکومت و جامعه ی مدنی در تحلیل، و پیوند تحلیل ساختاری با پیامدهای سیاسی فساد در اعتراضات اخیر. این چهار عنصر توأمان، وجه تمایز مقاله ی حاضر است.

۴ بنیان مفهومی و نظری: فساد، حکمرانی خوب/بد و جامعه مدنی

این بخش چارچوب مفهومی مقاله را در پنج محور سامان می دهد: تعریف فساد، دیرینه ی حکمرانی خوب، جامعه ی مدنی و رسانه ها، نظریه های نهادی فساد و پیامدهای حکمرانی بد.

####بیرف و گونه شناسی فساد فساد در ادبیات پژوهش، سرپیچی مدیران و صاحب منصبان از قوانین برای منافع شخصی
تعریف می شود (Treisman, 2000: 390) و در تعریف دیگری، دستبرد به نافع و اموال عمومی است (Mlambo &

et.al, 2019: 40; Fatile, 2012: 4). ملامبو فساد را به سه گونه تقسیم می کند: خرده فساد؛ فساد کلان؛ و غارتگری یا یغما همراه با پول شویی.

۴.۱ دیرینه ی مفهوم حکمرانی خوب

دیرینه ی حکمرانی خوب به ارسطو بازمی گردد که دو معیار برای آن ذکر می کند: قانونمندی و رابطه محوری، و تفکیک مصالح عمومی از مصالح خصوصی و گروهی. در سیر تحول مفهوم، دو تلقی از حکمرانی خوب شکل گرفته است: تلقی «جوهری-اصولی» و تلقی «مشی حکمرانی دوسویه».

۴.۲ فساد ساختاری در کشورهای توسعه نیافته سیاسی

در کشورهای توسعه نیافته سیاسی، فساد پدیده ای «ساختاری و سیستمی» است، نه استثنای فردی. بر اساس داده ی خانه ی آزادی (۲۰۲۰) کمترین میزان فساد در دموکراسی های نهادینه و بیشترین آن در نظام های اقتدارگرا گزارش شده است. (Amundsen, 2017).

۴.۳ جامعه ی مدنی: دیده بان نظارتی جامعه

جامعه ی مدنی با کاربژهایی چون تولید دانش تخصصی، آموزش مدنی و مطالبه گری برای شفافیت، عدالت و پاسخگویی، نقش «دیده بان نظارتی و چالشگر و زبان جامعه ی عدالت خواه» را ایفا می کند.

۴.۴ نظریه ی گوردن وایت و ادواردز

- **گوردن وایت (White, 2004: 12)** جامعه ی سیاسی عرصه ی رقابت برای قدرت است، اما جامعه ی مدنی عرصه ی اخلاق، قانونمندی و فضایل است: آزادی در برابر سرکوب، کثرت گرایی در برابر یکدستی، خودانگیختگی در برابر دست کاری، و پاکی در برابر فساد.
- **ادواردز (Edwards, 2004: 26)** درباره ی جایگاه احزاب در منطقه ی خاکستری میان جامعه ی سیاسی و مدنی، دو اردوگاه فکری وجود دارد.

۴.۵ رسانه ها و شفافیت

رسانه ها «زبان مردم برای عدالت خواهی» اند. شفافیت سه دسته ی نظری دارد: حق دسترسی به اطلاعات؛ شفاف سازی مشارکتی؛ و شفاف سازی پاسخگویی و فرایندی. حکمرانی غیرفراگیر و غیرسیستمی به فساد می انجامد. (Jain, 2002: 27). شفافیت بین الملل رسانه های آزاد را «ستون حیاتی حکمرانی خوب» می داند (Enste, 2017: 16) و کیفیت نهادی و نظارت بالا با شفافیت بالا همبسته است. (Enste, 2017: 8).

۴.۶ نظریه های نهادی فساد

- بانک جهانی: ریشه ی فساد در ناکارکردی های نهادی، سیستم نظارتی رنجور و بازار ضعیف است (Broadman & Recanatiti, 2002: 37; Broadman, 2002: 39) نیز (میرعباسی ساعی و ازغندی، ۱۳۹۹: ۲۱۰).
- **هچکرافت:** تمرکزگرایی و بوروکراسی ضعیف به انحصار و فساد می انجامد. (Hutchcroft, 1997: 640)
- **فافیت:** مطالعه ی نقش اعتماد در فساد. (Enste & Heldman, 2017: 15; Warren, 2004: 339)
- **اقتصاد رانتی:** به فربهی بوروکراسی، انحصار و فساد می انجامد. (Beblavi, 1987: 51)
- **استقلال دولت از طبقات:** به ناپاسخگویی می انجامد. (Hajiyousefi, 1995: 38)
- **بروکینگ (۲۰۱۶):** طولانی شدن فرایند بررسی مجوزها در کشورهای فقیر عامل فساد است.
- **سازمان ملل متحد، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول:** بر نظارت بر روند اجرا و کمک ها تأکید دارند (Reinsberg & et.al, 2020: 669).

۴.۷ پیامدهای حکمرانی بد

- مقاله شش پیامد عمده برای حکمرانی بد برمی شمارد: 1. کاهش اعتماد و بحران مشروعیت (Andvig, 2004: 1)؛ 2. ثروت اندوزی نامشروع (Rose-Ackerman, 1995)؛ 3. گسترش نابرابری و خشونت طلبی؛ 4. عدم سرمایه گذاری تولیدی (World Bank, 2011)؛ 5. عدم تعامل جامعه ی مدنی با حکومت (UNODC, 2021)؛ 6. جرم، بی ثباتی و شورش (Suleiman & Aminulkarim, 2015: 4).

۵ شاخص های حکمرانی و فساد در ایران: شواهد کمی

مقاله برای سنجش وضعیت حکمرانی و فساد در ایران از سه منبع داده ی کمی و ارزیابی کیفی بهره می گیرد.

۵.۱ شاخص ادراک فساد شفافیت بین الملل

در سال (۲۰۲۳) ۱۴۰۲ ایران با امتیاز ۲۴ و رتبه ی ۱۴۹ در ردیف کشورهای با فساد بالا قرار گرفته است (شفافیت بین الملل). سیر نمره و رتبه ی ایران در یک دهه به شرح جدول زیر است:

رتبه	نمره (از)	سال
جهانی	۱۰۰)	
۱۳۸	۲۸	۲۰۱۱
۱۴۹	۲۸	۲۰۱۲
۱۵۰	۲۵	۲۰۱۳
۱۴۷	۲۵	۲

رتبه	نمره (از ۱۰۰)	س	ال
			۰.۱۴
۱۴۹	۲۴	۲	
			۰.۱۵
۱۳۰	۳۰	۲	
			۰.۱۶
۱۲۰	۲۷	۲	
			۰.۱۸
۱۳۳	۲۶	۲	
			۰.۱۹
۱۴۴	۲۵	۲	
			۰.۲۰
۱۳۶	۲۷	۲	
			۰.۲۱
۱۳۰	۲۷	۲	
			۰.۲۲
۱۴۹	۲۴	۲	
			۰.۲۳

۵.۲ شاخص های حکمرانی بانک جهانی (۲۰۱۳) تا (۲۰۲۰)

بر پایه ی جدول دوم مقاله، همه ی ابعاد شش گانه ی حکمرانی ایران در بازه ی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ منفی بوده است (طیف از

-۲.۵ تا +۲.۵). نمونه ی سال: ۲۰۲۰

شاخص	نمره
(۲۰۲۰)	
پاسخگو	-۱.۲۵
ی	
کارآمدی	-۱.۹۹
دولت	
کنترل	-۱.۴۹
فساد	
ثبات	-۰.۶۹
سیاسی	
کیفیت	-۰.۸۶
مقررات	

همچنین در حقوق سیاسی و آزادی های مدنی، نمره ی ایران ۲۵ از ۱۰۰ بوده است (مقیاس ۱ قوی تا ۷ ضعیف). جمع بندی مقاله در این بخش چنین است: ضعف حکمرانی به نمره ی ۲۵ از ۱۰۰ و رتبه ی ۱۴۷ جهانی در سال ۲۰۲۲ انجامیده است.

۵.۳. ارزیابی سازوکارهای نظارتی رسمی

سازوکارهای نظارتی رسمی ایران شامل سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کشور، کمیسیون اصل نود قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و حراست های دستگاه هاست. جمع بندی مقاله صریح است: این سازوکارها «در حد مطلوب عمل نکرده اند» و همین کارنامه، پرسش محوری بخش بعدی — چرا با وجود این سازوکارها فساد استمرار یافته است؟ — را برمی سازد.

۶. عوامل نهادینه شدن فساد اقتصادی: تحلیل چهار لایه

مقاله عوامل استمرار فساد را در چهار لایه ی به هم پیوسته تحلیل می کند.

۱. لایه ی نخست: کیفیت پایین نهادی و مقرراتی

شفافیت کم و مقررات اداری پیچیده، زمینه ساز رشوه و دور زدن قوانین است. به نقل از هاشمی شاهرودی (۱۳۸۶)، «(۸) نظام اداری، بانکی، گمرکی و مالیاتی در ایران طولانی و پیچیده است و همین پیچیدگی به دور زدن قانون و انحراف از سرمایه گذاری تولیدی می انجامد. پرسش محوری مقاله این است که چرا با وجود سازوکارهای نظارتی رسمی، فساد استمرار یافته است؛ پاسخ دو عامل است: ۱. فقدان اراده ی محکم در نهادهای نظارتی و کارنامه ی نه چندان رضایت بخش در اجرای قوانین شفافیت؛ ۲. عملکرد ضعیف جامعه ی مدنی و درگیری برخی فعالان مدنی در فساد و رانت جویی. در همین لایه، خصوصی سازی های ایران عمدتاً «اختصاصی سازی» بوده و ایران با وجود برخورداری از ۱۶ درصد ذخایر گازی و ۱۴ درصد ذخایر نفتی جهان، اقتصاد بسته و سیستم مالیاتی ناکارآمد دارد.

۲. لایه ی دوم: بوروکراسی کم کارآمد، سیاست زده و نامستقل

نظام اداری ایران از ویژگی های مطلوب (مسئولیت پذیری، پاسخ گویی، حاکمیت قانون) فاصله داشته است. سیاست زدگی نهادهای نظارتی — یعنی تأثیرپذیری از جریان سیاسی حاکم و شخصیت های مؤثر — به کاهش استقلال، حفره های رانت جویی و روابط فاسد «حامی-پیرو» میان مدیران ارشد و فرصت طلبان انجامیده است (Azadi, 2020). گزارش شده عبارت اند از: قراردادهای و مقاطعه کاری های غیرقانونی و نظارت نشده؛ تخلف های کلان و میانی بانکی؛ تخلف ها در شهرداری ها؛ پرش ها و فرار مالیاتی؛ قاچاق کالا در گمرک ها و بنادر؛ و پول شویی در شبکه های حمایتی فساد.

• **نقض استقلال بانک مرکزی:** کسری بودجه، ضعف سیستم مالیاتی، اتکای اقتصاد رانتی به درآمدهای ارزی و تحریم های کمرشکن، به استقرار مکرر دولت ها، عدم پرداخت بدهی ها و چاپ بی رویه ی اسکناس انجامیده و از این رهگذر بی ثباتی پولی، تورم شدید و نااطمینانی پدید آمده است (قدیمی و دیگران، ۲۴۱-۲۴۲: ۱۳۹۹) رشد

متوسط اقتصادی ۳ تا ۴ درصد و آسیب پذیری شدید ۳۷ درصد جمعیت نیز گزارش شده است (Dadgar & Nazari).

• نابرابری و فساد: ضریب جینی بالا به تمایلات فساد، ارتشا و اختلاس دامن زده است (همایونی فر و توتونچی، ۱۳۹۹: ۱۱۹).

۳.۶ لایه سوم: محدودیت های آزادی بیان، رسانه ها و رانت های اطلاعاتی

• تعریف رانت اطلاعاتی: دسترسی به اطلاعات مهم اقتصادی (قراردادها، طرح های عمومی و مناقصه ها) پیش از اعلان عمومی. شفاف سازی نظری در سه دسته است: حق دسترسی به اطلاعات؛ شفاف سازی مشارکتی؛ و شفاف سازی پاسخ گویی و فرایندی.

• سامانه ی انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در تیر ۱۳۹۶ شکل گرفت، اما اغلب بخش های آن متصل به قوه ی مجریه مجریه بوده (موفق ترین نمونه کشور) و قوه ی قضائیه عملکرد رضایت بخشی نداشته است (صادقی جقه، ۱۳۹۷: ۱۰-۱۳). رانت اطلاعاتی «بزرگ ترین معضل اقتصادی» خوانده شده و هنوز جرم تلقی نشده است؛ قانون دسترسی به اطلاعات نیز با تأخیر تصویب و به شکل صوری و زینتی اجرا می شود.

• خصوصی سازی دهه ی ۱۳۷۰ بدون معیارهای شفاف اولویت بندی انجام شد و کارخانه ها با بهای نازل به اشخاص بانفوذ واگذار شدند (رحیمی، ۹۲-۹۴: ۱۳۸۴؛ در فاصله ی ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۷ حدود ۶۰ درصد واگذاری های بورس بین خود شرکت های دولتی صورت گرفت (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۱۷۴-۱۷۶).

• رانت اطلاعاتی در بورس: افراد با نفوذ با اطلاعات محرمانه به خرید شرکت های سودآور پرداختند و در سقوط بورس ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ بانک ها و شرکت های بزرگ دولتی و خصوصی سهام را در کف بازار خریدند و به سرمایه گذاران کوچک ناآگاه با قیمت حبابی فروختند و آسیب شدید اقتصادی و روحی-روانی به آنان وارد کردند (ilnanews). فعالیت «تاریک خانه ها» در بستر اقتصاد پنهان و نیمه پنهان، امیدها برای سرمایه گذاری مطمئن را ناامید کرد.

۴.۶ لایه چهارم: استمرار اقتصاد رانتی و تصدی گری فزاینده ی دولت

از نیمه ی نخست دهه ی ۱۳۴۰ اقتصاد ایران رانتی یا تحصیل دار بوده است؛ تنها در فاصله ی ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ به دلیل افت شدید قیمت نفت، سهم منابع رانتی به زیر ۴۰ درصد کاهش یافت و اقتصاد عمدتاً مالیاتی شد. سهم منابع رانتی از درآمدهای عمومی: ۵۷.۷ درصد (۱۳۴۲) تا ۵۴.۲ (۱۳۵۷ درصد) (۱۳۵۷) تا (۱۳۸۰) و ۵۵.۷ درصد (۱۳۸۰) تا (۱۴۰۰) (مؤسسه ی تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۷۸-۷۹: ۱۳۸۲) اکنون درآمدهای نفتی بیش از ۷۰ درصد درآمد ارزی و ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی را می سازد. (Mahmoudi, 2018: 74)

• به نقل از هاشمی شاهرودی (۱۳۸۶: ۱۴-۱۷) هر گام به سمت خصوصی سازی هم زمان با افزایش حجم دولت همراه بود؛ در دهه ی ۱۳۹۰ حدود ۷۰ درصد سهام بورس متعلق به بانک ها و شرکت های دولتی بود و بیش از دو سوم یا ۶۰ درصد واگذاری ها به شرکت های دولتی رسید. بازیگران شبه دولتی و اقتصاد پنهان، مانع رقابت واقعی، عامل فساد و خروج سرمایه بوده اند.

- کنترل دولتی: دولت بر صنایع عمده، معادن بزرگ و بانکداری کنترل دارد (فتاحی، ۱۳۸۵: ۲۵۲).
- انحصار تجارت خارجی: بر پایه‌ی مواد اول و سوم «قانون انحصار تجارت خارجی»، تجارت خارجی ایران در انحصار دولت است و دولت می‌تواند حق واردات را به اشخاص و مؤسسات تجاری معین واگذار کند (یوسفیان و غلامی، ۱۳۸۲: ۸۲).
تداوم انحصارات، تصدی‌گری فزاینده و مقررات دست‌وپاگیر، عرصه را برای بخش خصوصی تنگ‌تر و انگیزه‌ی تبانی فساد و سری با کارگزاران حکومت را قوی‌تر کرده است (هادی زنوز، ۱۳۸۲: ۱۶۹).
- فساد بانکی: تصدی‌گری دولت بر بانک‌های دولتی همراه با تفاوت نرخ سود اعتبارات بانک‌های دولتی با صندوق‌های خصوصی، عامل ساختاری قانون‌گریزی و فساد بانکی بوده است؛ افراد با نفوذ از رهگذر زد و بندها و رانت‌جویی سیاسی به اعتبارات بانکی بسیار بالا دست یافتند و بخش مهمی از وام‌ها در تجارت، ساخت‌وساز مسکن و زمین‌خواری هزینه و از مقصد تعریف‌شده منحرف شد. در دهه‌ی ۱۳۹۰ نیز فسادهای کلان بانکی رخ داده است.
- چندنرخ‌بودن ارز: از ۱۳۶۸ سه نرخ ارز (دولتی، رقابتی، شناور) و از ۱۳۷۲ دو نرخ برقرار بود؛ در ۱۳۹۱ همین سیاست سبب‌ساز فساد بانکی و اقتصادی قابل توجه شد و «آقازاده‌ها پیش‌تاز» بودند. سازوکارهای نظارتی در تخصیص ارز ضعیف عمل کردند (Salehi & Taheripour, 2002: 668) و ادامه‌ی این رویه در قالب ارز نیمایی نیز به انحراف اقتصادی انجامیده است.
- تحریم‌های ترامپ (نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۹۰) و شش پیامد فسادزای آن: ۱. فعالیت دلان بین‌المللی برای فروش نفت و بازنگشتن بخش عمده‌ی ارز حاصل (نمونه‌ها: بابک زنجانی و رضا ضراب، تاجر طلا با تابعیت ایرانی - ترک)؛ ۲. رواج قاچاق کالا در صادرات و واردات و توسعه‌ی شبکه‌های غیررسمی تجارت غیرقانونی؛ ۳. استقراض بیشتر دولت از بانک مرکزی و تشدید تورم ناشی از نقدینگی؛ ۴. توسعه‌ی اقتصاد زیرزمینی و سایه با درگیرشدگی ارگان‌های دولتی و غیردولتی و افراد متنفذ و فرصت‌طلب؛ ۵. پول‌شویی گسترده توسط واسطه‌ها و دلان در انتقال غیربانکی پول و قراردادهای خارجی؛ ۶. افزایش تورم شدید ناشی از تحریم‌ها و گسترش شبه‌فعالیت‌های فساد، قاچاق، احتکار و اختلاس.
- هدفمندی یارانه‌ها و مالیات: حذف سوبسیدهای کالاها و خدمات در ۱۳۹۰ با قانون «هدفمندی یارانه‌ها» به افزایش تورم و گسترش فساد در سطح جامعه دامن زد؛ افزایش مالیات‌ها نیز بر فساد و فعالیت‌های غیرقانونی افزود (Mahmoudi, 2018: 73-74).
به نقل از علی قنبری، نماینده‌ی پیشین مجلس، یک‌سوم کالاها در دوران تشدید تحریم‌های بانکی و نفتی ترامپ توسط اقتصاد سایه به روش غیرقانونی تأمین می‌شد (Mahmoudi, 2018: 80)؛ همچنین کاهش درآمدهای نفتی حاصل از تحریم‌های کنونی در حدود ۲۹ درصد بر فساد اقتصادی در ایران تأثیرگذار بوده است (عزتی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۵).
با کاهش شدید درآمدهای نفتی در ۱۴۰۰ افزایش درآمدهای مالیاتی در دستور کار دولت و مجلس قرار گرفت که به گمان نویسنده احتمالاً خود زمینه‌ساز فساد اداری و اقتصادی خواهد شد.

۷ پیامدهای سیاسی: اعتراضات و بحران مقبولیت

از دهه‌ی ۱۳۹۰ پیامدهای سیاسی نهادینگی نسبی فساد اقتصادی آشکار شده است؛ این بخش، سیر شکل‌گیری اعتراضات و بحران مقبولیت را بازمی‌سازد.

۷.۱ پارادوکس اعلامی-عملکردی و شکل‌گیری بستر اعتراض

انقلاب اسلامی بر محور اسطوره‌ها و اصولی چون اسلامیت، جمهوریت، عدالت اجتماعی و استقلال روی داد. اما از دهه‌ی ۱۳۹۰ یک پارادوکس جدی پدید آمد: از یک سو شکاف فزاینده‌ای میان وعده‌ها و برنامه‌های اعلامی حکومت و دستگاه‌های تقنینی، نظارتی و بروکراتیک برای شفافیت وجود دارد و از سوی دیگر آگاهی افشار تحصیل کرده‌تر جوان و بزرگسال نسبت به این شکاف اعلامی-عملکردی و منابع فساد سرریز کرده است.

بنابراین در بستر بحران اقتصادی و کارآمدی تشدید شده از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۹۰، کفایت‌های عینی و ذهنی-عاطفی برای شروع و استمرار اعتراض‌های سیاسی، اجتماعی و صنفی فراهم شد و جوی از رادیکالیسم سیاسی نسبی با تلفیق نارضایتی‌های طبقاتی، صنفی، کارگری، جنسیتی، قومی و مدنی، و با ادغام بدنه‌های اجتماعی و فکری-دانشجویی برخی نقاط کشور را فراگرفت.

۷.۲ ائتلاف نانوشته و موج اعتراضات (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳)

با استناد به مباحث نظری جامعه‌ی مدنی، در اعتراض‌های اخیر نوعی «ائتلاف نانوشته» همراه با رادیکالیسم سیاسی با دال‌های مشترک عدالت اجتماعی و توزیعی، شفافیت، فسادستیزی و قانونمندی شکل گرفت. موج اعتراضات به ترتیب:

۱. دی‌ماه: ۱۳۹۶ آغاز از شهر مشهد با محوریت معترضان و نارضایان ضدفسادی و شعار «نه به گرانی»؛
۲. آبان ۱۳۹۸؛
۳. پاییز ۱۴۰۱؛
۴. اعتراض‌های صنفی ۱۴۰۲ تا خرداد: ۱۴۰۳ با تکرار و اشاعه‌ی اعتراضات از یک صنف به صنف دیگر و پیوستن افشار فکری (معلمان) به بدنه‌های کارگری و به‌ویژه پیوستن دانشجویان عدالت‌خواه که سبب‌سم سیاسی و بحران امنیت برای نظم سیاسی شد.
- تاریخ‌مندی خیابان (آلن تورن): معترضان «خیابان» را به اصلی‌ترین مکان عاملیت و پادان دادن به فساد و ناکارآمدی تبدیل کردند؛ طبقه‌ی متوسط رو به افول و دانشجویان ناامید از اشتغال، مطالبات ضدفسادی را افزودند.

۷.۳ مطالعه‌ی میدانی شعارها (سردارنیا و البرزی، ۱۴۰۱)

جامعه‌ی آماری این مطالعه، شعارهای معترضان از ۱۳۹۶ است؛ از اعتصابات سراسری بازاریان (آغاز از تهران)، کامیون‌داران، آموزگاران و کارگران هفت‌تپه و فولاد اهواز. شعارها در شش مقوله‌ی اصلی مطالب‌بندی شده‌اند:

۱. اقتصادی: فقر و معیشت، تضاد طبقاتی، فساد اقتصادی؛

۲. سیاسی: نظام موجود، فساد مدیریتی و اداری، ایدئولوژی گرای؛

۳. اجتماعی-انگیزشی: تبعیض، قشری نگری، حمایت/تهییج؛

۴. فرهنگی؛

۵. حقوقی: حقوق شهروندی، خلأها و مشکلات ناشی از قانون اساسی؛

۶. زیست محیطی: آلودگی هوا، سیل و خشکسالی.

جایگاه مقوله ها در مجموع مطالبات (سردارنیا و البرزی، (۱۲۳: ۱۴۰۱)

سهم از مطالبات

مقوله	(درصد)
اقتصادی	۳۵.۶
سیاسی	۳۲.۱
اجتماعی-	۱۲.۳
انگیزشی	
حقوقی	۱۰.۰
فرهنگی	۵.۴
زیست محیطی	۴.۱

۷.۴ یافته های کلی مطالعه ی میدانی

مطالبه ی ضدفسادی و ضدتبعیضی انگیزه ی مهم شرکت در اعتراضات بوده است: دانشجویان و دانش آموزان ۷۸ درصد، معلمان بیش از ۷۲ درصد و کارگران بیش از ۵۸ درصد. استمرار بسترسازهای ساختاری و احساسی علیه فساد در کنار شاخص های ضعیف کارکردی حکمرانی، به بحران مقبولیت یا مشروعیت سیاسی حکومت و بحران اعتماد مدنی به نهادهای مدنی و صنفی ای انجامیده که نتوانسته اند به مطالبه ی جدی شفافیت اقتصادی جامعه ی عمل بپوشانند. شکاف سیاسی و مدنی یادشده در کنار هویت های نوظهور مدنی و سیاسی-اجتماعی در شبکه های مجازی، به خلق فضای اجتماعی جدیدی برای مطالبه گری ضدفسادی انجامیده است.

۸ نتیجه گیری و راهکارها

مقاله در جمع بندی، رویکردی «واقع بینانه و خاکستری» اتخاذ می کند: در ایران آم و خاکستری» اتخاذ می کند: در ایران آم بد وجود دارد و نمی توان حکمرانی را تماماً «خوب» یا تماماً «بد» دید. فساد اقتصادی-اداری نسبتاً نهادینه شده است، اما حکومت و دستگاه قضایی در سال های اخیر با جدیتی نسبی با فساد مبارزه کرده اند.

۸.۱ شش راهکار پیشنهادی مقاله

۱. مبارزه ی قاطع و زمان شناسانه ی حکومت با فساد و نهادینه سازی شفافیت برای ارتقای مقبولیت؛

۲. بازبینی و آسیب شناسی جدی، علمی و غیرسیاسی دستگاه سیاست گذاری؛
 ۳. استقلال نظام اداری از سیاست؛
 ۴. شفافیت و بستن منافذ رانت اطلاعاتی؛
 ۵. تعامل پویا و قانونمند حکومت با جامعه‌ی مدنی و بخش خصوصی و توجه به سازوکارهای نظارتی مدنی؛
 ۶. سوق دادن نهادهای مدنی به اخلاق مدنی و پرهیز از انحراف آنان به جامعه‌ی سیاسی قدرت بنیاد.
- این شش راهکار، مستقیماً بر متغیر مستقل فرضیه‌ی پژوهش منطبق‌اند: مبارزه‌ی جدی با فساد پاسخ به بوروکراسی سیاست زده و نهادهای نظارتی ناکارآمد است، شفافیت و بستن منافذ رانت اطلاعاتی پاسخ به محدودیت‌های رسانه‌ای و اطلاعاتی است، و تعامل با جامعه‌ی مدنی و بخش خصوصی پاسخ به تصدی‌گری فزاینده‌ی دولت و ضعف کنشگری مدنی است.

۹ منابع.

۹.۱ منابع فارسی

- رحیمی (۱۳۸۴)؛
- سردارنیا و البرزی (۱۴۰۱) فصلنامه‌ی پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۴۰؛
- صادقی جقه (۱۳۹۷) فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، شماره ۸۲؛
- عزتی و دیگران (۱۳۹۵) فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی، (۲) ۱۶؛
- قدیمی و دیگران (۱۳۹۹)؛
- فتاحی (۱۳۸۵)؛
- مؤسسه‌ی تحقیقات تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲)؛
- مؤمنی (۱۳۸۳) و (۱۳۸۶)؛
- میرعباسی ساعی و ازغندی (۱۳۹۹)؛
- هادی زنوز (۱۳۸۲)؛
- هاشمی شاهرودی (۱۳۸۶)؛
- همایونی‌فر و توتونچی (۱۳۹۹)؛
- یوسفیان و غلامی. (۱۳۸۲)

۹.۲ منابع لاتین

- Amundsen (2017)
- Andvig (2004)
- Azadi (2020)
- Beblavi (1987)
- Broadman (2002); Broadman & Recanatiti (2002)
- Brooking Institute (2018)

- Edwards (Nazari (2018) •
- Edwards ((2018) •
- Edwards (2004) •
- Enste & Heldman (20177) •
- Fatile (2012) •
- Hajiyousefi (1995) •
- Jain (2002) •
- Mahmoudi, Azar (2018), M.A. Thesis •
- Mlambo (2019), JEBS 11(1) •
- Reinsberg & et.al (2020), Regulation and Governance 14(4) •
- Rose-Ackerman (1995), World Bank Note No. 4 •
- Salehi & Taheripour (2002), IJMES 34 •
- minul Karim (2015), Sage Open Suleiman & Aminul Karim (2015), Sage Open •
- Treisman (2000),2021), Doha Declaration •
- Warren (2004), AJPS 48(2) •
- White (2004), in Burnell & Calvert (eds.), Civil Society in Democratization •
- World Bank (2021), Combating Corruption •
- transparencyinternational.com •
-